



# وادی مُحَسِّر

عباسعلی براتی

## موقعیت جغرافیایی

«محسّر» رود کوچکی است که از سمت شرقی کوه «ثبیر» بزرگ از سوی ثقبه سرازیر می شود و به «وادی عُزَنَه» می ریزد. هنگامی که از میان منی و مزدلفه می گذرد به صورت مرز و فاصله ای میان آن دو قرار می گیرد و به سوی جنوب می رود. آب سیل این رودخانه قبل از اینکه به «عُزَنَه» بریزد، از کنار چشمه حسینیه (عین الحسینیه) می گذرد و با سه رود کوچک در منطقه مَفْاجِر مخلوط می شود و همگی یک رودخانه را تشکیل می دهند. محلّ به هم پیوستن این سه رودخانه، اکنون آباد شده و یکی از محلات شهر مکه گردیده است. در محسّر، کشاورزی و آبادانی وجود ندارد، مردم بیشتر با آن قسمت از محسّر آشنا هستند که در میان مزدلفه و منی قرار دارد و حاجیان از آن می گذرند، در این قسمت، تابلوهایی وجود دارد که حدود «محسّر» را نشان می دهد.<sup>۱</sup>

## معنای لغوی

محسّر از ریشه «حَسَرَ» و معنای آن خسته شدن و از پا افتادن است.<sup>۲</sup>  
 خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «... يَنْقَلِبُ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَ هُوَ حَسِيرٌ»  
 (الملك: ۴)؛ «چشم، با خستگی به سوی تو باز می‌گردد».<sup>۳</sup>  
 علت نامگذاری آن به وادی محسّر آن است که ابرهه و لشکرش با فیل برای نابودی  
 کعبه آمدند، آنان وقتی به این رودخانه رسیدند؛ از پای درآمدند و از توان افتادند، و بنا به  
 گفته قرآن، با سنگریزه‌های «سجیل» از پای افتادند. و ابرهه یاران خود را از پیروزی ناامید  
 ساخت و آنان به خاطر از دست رفتن پیروزی، حسرت خوردند.<sup>۴</sup>  
 فیل ابرهه «محمود» نام داشت و هر چه وادار کردند، وارد منطقه حرم نشد و حتی به  
 وادی محسّر هم نرسید، ولی هرگاه روی او را به سوی یمن باز می‌گرداندند، با شتاب می‌رفت.

## نامهای مختلف محسّر

- وادی محسّر چند نام دیگر نیز دارد به این شرح:
- ۱- وادی النار؛ که مردم مکه، آن را به این نام می‌خوانند.<sup>۵</sup>
  - علت این نامگذاری آن است که مردی از اهل مکه برای شکار به آنجا رفته بود که  
 آتشی از آسمان آمد و او را سوزانید.<sup>۶</sup>
  - محمد حسین هیکل بر طبق دیدگاه علمی - تجربی خود، این نامگذاری را چنین توجیه  
 می‌کند که: آتش بیماری آبله در این رودخانه، سپاهیان ابرهه را سوزانید و آنان با حسرت به  
 کشورشان بازگشتند<sup>۷</sup> و این بر خلاف ظاهر قرآن است.
  - ۲- مهلل، زیرا وقتی مردم به این وادی می‌رسند، شتاب می‌گیرند.<sup>۸</sup>
  - ۳- مهلهل؛ زیرا این جایگاه نزد مردم مشهور است، و یا به همین دلیل سابق.<sup>۹</sup>
  - ۴- بطن محسّر.<sup>۱۰</sup>

آیا «وادی محسّر» بخشی از «منی» است؟

از آنجا که احکام فقهی خاصی برای هریک از مزدلفه، منی و محسّر وجود دارد، لذا

فقهای گذشته، به بررسی حدود این سرزمین و دیگر مشاعر مقدّسه پرداخته‌اند. اکثریت قاطع نویسندگان و فقهای اهل سنت و شیعه، وادی محسّر را بیرون از منی و نیز بیرون از مزدلفه می‌دانند و معتقدند این سه منقطه به ترتیب و بدون فاصله پشت سر هم قرار دارند: «منی»، «محسّر» و «مزدلفه»؛ مثلاً می‌گویند: محسّر، بیرون از منی و چسبیده به آن است. ۱۱ و یا می‌نویسند: محسّر میان منی و مزدلفه قرار گرفته است. و منی، میان دو رودخانه قرار دارد که یکی چسبیده به موضع «جمرة عقبه» نزدیک مکه، و دیگری محسّر است. ۱۲

ابن قدامه فقیه حنبلی (م. ۶۲۰ هـ) می‌نویسد: محسّر جزئی از منی نیست. ۱۳

شیخ یوسف بحرانی از علمای شیعه می‌نویسد: محسّر مرز منی است، بنا بر این، خارج از آن حساب می‌شود. ۱۴

حضرت آیه الله العظمی امام خمینی - قدس سره الشریف - می‌نویسد: وادی محسّر، خارج از منی است. ۱۵

عده‌ای از نویسندگان سنی و شیعه، با پیروی از برخی روایات، وادی محسّر را بخشی از منی دانسته‌اند.

محبّ طبری آورده است: فضل بن عباس حدیثی دارد که می‌رساند: محسّر از منی است. این حدیث در صحیحین آمده است. ۱۶

و صاحب مطالع می‌نویسد: بخشی از محسّر داخل در منی و بخشی از آن در مزدلفه قرار دارد. ۱۷

شوکانی آورده است: محسّر بخشی از منی است. ۱۸

و از علمای شیعه، شهید ثانی می‌نویسد: وادی محسّر بخشی از منی است، بنا بر این واسطه‌ای میان مشعر و منی، وجود ندارد. ۱۹

و نیز محقق ثانی، شیخ علی بن حسین کزّکی (م. ۹۴۰ هـ) می‌نویسد: محسّر (به کسر سین) جایی در منی است که در صحاح نیز نام آن آمده است. ۲۰

### احکام و آداب مُحسّر

یکی از احکام وادی محسّر آن است که قبل از طلوع آفتاب نباید از آن عبور کرد. این حکم، برای کسانی است که در صبح روز عید قربان، می‌خواهند برای افاضه به منی، مشعر

الحرام (مزدلفه) را به سوی منی ترک کنند. آنان می توانند تا نزدیکی وادی محسّر بیایند و آنجا توقف کنند و با طلوع خورشید وارد محسّر شوند و از آن بگذرند و به منی بروند. ۲۱  
مراجع کنونی شیعه نیز می فرمایند: باید قبل از طلوع آفتاب از وادی محسّر نگذرند. ۲۲  
یکی دیگر از احکام ویژه محسّر آن است که به هنگام عبور از آن، مستحب است انسان، با حالت دویدن، مسیر را طی کند. و این حکم، تقریباً در میان همه مسلمین اجماعی است، زیرا پیامبر - ص - و صحابه نیز چنین می کرده اند.

پیامبر - ص - وقتی به محسّر می رسید، با شتاب، مرکب خود را مراند. ۲۳

عمر بن خطاب نیز وقتی به این نقطه می رسید، چنین می کرد و این اشعار را می خواند:

اليك تسعى قلقاً وزينها مخالفاً دين النصارى دينها

معترضاً فى بطنها جنينها قد ذهب الشحم الذى يزينها

درحالیکه کمر بندش می جنبد به سوی تو می آید و دین او با دین نصاری مخالف است

فرزند خود را در شکم، جای داده است و پیه و چربی که زینت بخش او بود، از دست داده است

عبدالله بن عمر نیز هنگامی که به میان این وادی می رسید همین کار را می کرد، و

تاکنون نیز مردم چنین می کنند. ۲۴ ائمه اربعه اهل سنت، درباره استحباب دویدن در این وادی اتفاق نظر دارند. ۲۵ در منابع شیعه نیز روایاتی درباره استحباب دویدن در محسّر آمده

است. ۲۶

استحباب دویدن به قدری مؤکد است که در روایتی آمده است که امام صادق - ع - به

کسی که دویدن در آنجا را فراموش کرده بود؛ سفارش فرمود که از مکه بازگردد و دوباره در آنجا بدود، و اگر جای محسّر را نمی داند؛ از مردم پرسد. ۲۷

دعایی نیز برای هنگام دویدن در محسّر رسیده است که متن آن چنین است:

«اللهم سلم عهدى وا قبل توبتى و ا جب دعوتى و اخ ل فنى فيمن تركت بعدى».

این دعا از رسول خدا - ص - روایت می شود و مقدار دویدن در محسّر، صدگام

است. ۲۸

در منابع اهل سنت آمده است که توقف در این منطقه مکروه، و وقوف در آن ممنوع

است، و شاید علت آن باشد که اینجا مکان نزول عذاب است، بنابراین، باید از عذاب خدا، به خود او پناه برد، و زودتر آن مکان را ترک کرد. برخی گفته اند: این وادی جایگاه شیاطین

است. ۲۹ و برخی گفته‌اند که این سرزمین موقف مسیحیان، به هنگام حج بوده است. ۳۰

### آیا قربانی کردن در وادی محسّر، درست است؟

فتوای مراجع کنونی شیعه آن است که قربانی باید در منی باشد، و در وادی محسّر، نیز قربانی، صحیح است و اگر عسر و حرجی در کار باشد، ذبح و قربانی در خارج از منی نیز اشکالی ندارد. ۳۱

در روایات شیعه آمده است که: امام صادق - ع - فرمود: هدی واجب را فقط در منی و هدی غیر واجب را در مکه و یا منی می‌توان انجام داد. ۳۲

در روایت دیگر آمده است: معاویه بن عمار گفت: به امام صادق - ع - گفتم: مردم تعجب کردند که شما قربانی خود را در منزل خود، در مکه کشتید. فرمود: سراسر مکه، قربانگاه است. ۳۳ که تفسیر و تأویل آن، همان روایت قبلی است.

از نظر اهل سنت، قربانی کردن در تمام درّه‌های مکه، درست است. و روایات آنها نیز در این باره دو دسته است، که برخی از آنها به جواز قربانی در همه جای مکه اشاره می‌کند:

در روایتی از جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا روایت شده است که فرمود: «... سراسر منی، قربانگاه است، و همه درّه‌های مکه راه عبور و قربانگاه است». ۳۴ در روایا دیگر آمده است: عبدالله بن عباس در مکه نیز قربانی می‌کرد، ولی عبدالله بن عمر، در مکه قربانی نمی‌کرد، و فقط در منی، ذبیحه خود را می‌کشت. ۳۵

ولی روایات دیگری نیز دارند که ظاهر آنها فقط جواز قربانی در منی است مانند حدیث زیر:

ابو رافع می‌گوید: پیامبر - ص - فرمود: سراسر منی قربانگاه است. ۳۶

و جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: من در اینجا عرفه توقف کردم، ولی سراسر عرفه، موقف است. و در اینجا مزدلفه توقف کردم ولی سراسر آن موقف است، و در اینجا منی قربانی کردم ولی سراسر آن قربانگاه است. ۳۷

### احکام دیگر وادی محسّر

\* یکی از احکام محسّر در فقه اهل سنت این است که مستحب است، سنگریزه‌های مورد نیاز

برای رمی جمرات را از آنجا جمع کرد.

- مسلم آورده است: پیامبر - ص - وقتی به محسر - که بخشی از منی است - رسید، به اصحاب فرمود: سنگریزه‌هایی (به اندازه دانه باقلا) برای رمی جمرات، جمع کنید. ۳۸
- \* توقف در وادی محسر جز در صورت ضرورت جایز نیست، ۳۹ زیرا نصاری و مسیحیان در آنجا توقف می‌کردند، و ما موریم با آنها مخالفت کنیم. ۴۰
- \* مستحب است در حال عبور از وادی محسر پیوسته تلبیه بگوید. ۴۱
- \* مستحب است دویدن در وادی محسر را به مقدار پرتاب یک سنگ ادامه دهد.

### مساحت وادی محسر

طول محسر، ۳۸۱۲ متر است. نقطه پایان آن، مأزمین (دوکوهی که در مسیر حجاج از مزدلفه به منی قرار دارد) است. بخش وسیع و گسترده محسر، مزدلفه نامیده می‌شود، و ۲۵۴۸ متر طول دارد و از مشعر الحرام یا منطقه «قُزَح» که حاجیان، صبح روز عید برای دعا نزد آن می‌ایستند؛ آغاز می‌شود و علامت آن دو دیوار است یکی از راست و دیگری از چپ.

این رودخانه (محسر) در پایان سرزمین مزدلفه، باریک می‌شود و عرض آن به ۵۰ متر می‌رسد و تا مسافتی در حدود ۴۳۷۲ متر یعنی تا «العلمین» که مرز حرم از سمت عرفه است؛ امتداد پیدا می‌کند. این دو ساختمان، مانند دو ساختمان موجود در مشعر (ستون سنگی) ولی کوچکتر هستند و فاصله میان آندو، ۱۰۰ متر است. اینجا رودخانه را «مأزمین»، یا «طریق المأزمین» یا تنگه میان مزدلفه و عرفه می‌نامند. زیرا دو کوهی که در دو طرف آن است «مأزمین» نام دارند، و «مأزم» به معنای راه باریک میان دو کوه است. ۴۲

فاصله میان جمره عقبه تا وادی محسر (طول منی): ۳۵۲۸ متر.

پایان وادی محسر تا آغاز مأزمین (طول مزدلفه): ۳۸۱۲ متر.

آغاز مأزمین تا نقطه العین، مرز حرم (طول مأزمین): ۴۳۷۲ متر. ۴۳

در اینجا برای آشنایی بیشتر با موقعیت جغرافیایی محسر توجه شما را به این نقشه

جلب می‌کنیم:







۹. فاسی، شفاء الغرام، ۱/۴۹۹، ابن الصلاح، المقدمة، ۴۴ أ.
۱۰. زبیدی، تاج العروس، ۳/۱۴۰، دار مکتبة الحیاة، بیروت؛ الجوهری، الصحاح، ۲/۶۳۰، منتهی الأرب، مادة «حسر».
۱۱. حربی، کتاب المناسک و أماكن طرق الحج و معالم الجزيرة، تحقیق حمد الجاسر، ص ۵۰۶، دارالیمامة، ریاض، ۱۴۰۱ هـ / ۱۹۸۱ م؛ عاتق بن غیث بلادی، معجم معالم الحجاز، ۸/۴۰.
- ۴۲، یاقوت حموی، معجم البلدان، ۵/۶۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ هـ / ۱۹۷۹ م.
۱۲. عاتق بن غیث بلادی، معجم الحجاز، ۸/۴۰، سبیتی ملئ العیبة، ۵/۱۰۱.
۱۳. المغنی، ۳/۴۲۷ و ۴۴۷.
۱۴. الحدائق الناضرة، ۱۷/۴، ط ۲، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.
۱۵. مناسک حج، ص ۲۱۳، ط ۴، شرکت افست، تهران، ۱۴۰۷ هـ.
۱۶. الفاسی، شفاء الغرام، ۱/۴۹۸، ط ۱، دارالکتاب العربی، بیروت ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م، به نقل از محب طبری، القرئی؛ مسلم، صحیح. کتاب حج (حدیث ۱۲۸۲) - ۳/۱۰۴، مؤسسة عزالدین، بیروت، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۷ م؛ ابن قدامه، المغنی، ۳/۴۴۴؛ شوکانی، نیل الاوطار، ۵/۶۲.
۱۷. الفاسی، شفاء الغرام، ۱/۴۹۸ به نقل از صاحب مطالع، السبیتی، محمد بن عمر بن رشید (م. ۷۲۱ هـ)، ملئ العیبة بما جمع بطول الغیبة، ۵/۱۰۱ (پاورقی)، دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م؛ البکری، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، ۴/۱۱۹۱ تحقیق مصطفی السقاء، بیروت، ۱۹۸۳ م، أزرقی، اخبار مکة، ۲/۹۳.
۱۸. نیل الأوطار، ۵/۶۲، دارالجيل، بیروت (افست از روی چاپ دارالحدیث - قاهره) بی تا.
۱۹. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ۱/۲۳۴، چاپ اسلامیة، تهران، بی تا (کتاب حج، فصل خامس، فی الاحرام و الوقوفین).
۲۰. جامع المقاصد، ۳/۲۲۰، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۰۸ هـ؛ الجوهری، صحاح اللغة، ۲/۶۳۰، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ هـ / ۱۹۵۶ م.
۲۱. ابن حمزه، وسیله (الینایع الفقهیه) ۸/۴۴۱؛ ابن زهره، الغنیة (الینایع الفقهیه)، ۸/۴۱۰؛ شیخ مفید، المقنعة، ص ۴۱۷، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ هـ؛ شیخ طوسی، المبسوط، ۱/۳۶۸، المکتبة المرتضویة. المطبعة الحیدریة، تهران، ۱۳۸۷؛ محقق حلی، الشرائع، ۱/۲۵۸، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م. محقق کرکی، جامع المقاصد، ۳/۲۲۰، شهید ثانی، اللمعة الدمشقیة، ۲/۲۷۲، دارالعالم الاسلامی، بیروت، باشراف السید محمد کلاتر.
۲۲. علی افتخاری، آراء المراجع فی الحج، ص ۳۳۸، دارالقرآن الکریم، قم ۱۴۱۲ هـ / ۱۳۷۱ هـ.
۲۳. عاتق بن غیث بلادی، معجم معالم مکة، ص ۲۴۹؛ همو، معجم معالم الحجاز، ۸/۴۱ به نقل از

- جابر بن عبدالله انصاري؛ فاسي، شفاء الغرام، ١/٤٩٩؛ الأزرقى، اخبار مكة، ٢/٩٣؛ البكرى، المعجم، ٤/١١٩، به نقل از نووى، الايضاح و المحب الطبرى، القرى و المطالع؛ الأزرقى، اخبار مكة ٢/٩٣.
٢٤. همه مصادر فوق.
٢٥. فاسي، شفاء الغرام، ١/٤٩٩؛ الأزرقى، اخبار مكة، ٢/١٨٩ - ١٩٠.
٢٦. الحرّ العاملى، وسائل الشيعة، ١٠/٤٦، دار احياء التراث العربى، بيروت، به نقل از تهذيب و من لا يحضره الفقيه، كافى و مستدرک الوسائل، ١٠/٥٤، به نقل از دعائم الاسلام و فقه الرضا و الهداية؛ شهيد ثانى، الروضة البهية (كتاب الحج، اعمال الوقوفين).
٢٧. وسائل الشيعة، ١٠/٤٦، حديث ١ و ٢ و ٣، از باب ١٣، از ابواب وقوف به مشعر، نجفى، جواهر الكلام، ١٩/١٠٢.
٢٨. وسائل الشيعة ١٠/٤٧، حديث ١ و ٢، از باب ١٤، از ابواب وقوف به مشعر؛ النجفى، جواهر الكلام، ١٩/١٠٢.
٢٩. فاسي، شفاء الغرام، ١/٥٠٠.
٣٠. نى بيدى، تاج العروس، ٣/١٤٠.
٣١. على افتخارى گلپايگانى، آراء المراجع فى الحج، ص ٣٥٨، دارالقرآن الكريم، قم، ١٤١٢ هـ/ ١٣٧١ ش.
٣٢. شيخ طوسى، الاستبصار، ٢/٢٦٣، دارالكتب الاسلامية، تهران، ١٣٩٠ هـ.
٣٣. همان، و التهذيب، ١/٥٠٢؛ الكافى، ١/٢٩٩.
٣٤. بيهقى، السنن الكبرى، ٥/١٢٢، دارالفكر، بيروت.
٣٥. همان.
٣٦. همان.
٣٧. همان، ٥/٢٣٩.
٣٨. مسلم، صحيح، كتاب حج، حديث ٢٦٨ (شماره مسلسل حديث ١٢٨١)، ج ٣، ص ١٠٤، ط ١، مؤسسة عزالدين، ١٤٠٧ هـ/ ١٩٨٧ م؛ النسائى، السنن، ٥/٢٥٨؛ عاتق بن غيث بلادى، فضائل مكة و حرمة البيت الحرام، ص ١٦٩، دارمكة، مكة المكرمة، ١٤١٠ هـ/ ١٩٨٥ م.
٣٩. عاتق بن غيث بلادى، اودية مكة، ص ٨٦، دارمكة، مكة المكرمة، ١٤٠٥ هـ/ ١٩٨٥ م.
٤٠. سليمان الجمل، الحاشية على شرح المنهج، ٢/٤٦٣، دارالفكر، بيروت، بى تا.
٤١. ابن قدامة، المغنى، ٣/٤٤٤.
٤٢. ابراهيم رفعت پاشا، مرآة الحرمين، ج ١، ص ٣٣٩ - ٣٤١، المطبعة العلمية، قم، افست از روى ط ٢، مطبعة دارالكتب المصرية، القاهرة ١٣٤٤ هـ/ ١٩٢٥ م.
٤٣. همان، ٣٤١.